

## رسول پویان

### عشق و آزادی

بیا که باده به ساغر به پای ساز کنیم  
لوای ساقی و مطرب ز نو فراز کنیم  
ز سجدگاه ریایی همیشه برخیزیم  
به تاق ابروی خوبان فقط نماز کنیم  
بنای کینه و ظلم و ستم فروپاشیم  
در رهایی به دل‌های خسته باز کنیم  
به آهوگان و غزالان میهنم سوگند  
ستیزه با دد و دیو و سرگراز کنیم  
ز تاج و تخت ستمکارگان بگریزیم  
بنای کاخ سخن با لب ایاز کنیم  
حدیث زلف پریشان ماه رویان را  
نثار خسته دلان در شب دراز کنیم  
شمیم بیت و غزل‌های تازه و نو را  
برای تازه عروس وطن جهاز کنیم  
به یمن همت و الای عشق و آزادی  
ز بند غیر دل و جان بی نیاز کنیم  
شکوه عصر تمدن اگر بغارت رفت  
نشاط و شوق فقیرانه شهنواز کنیم  
اگر کسی نشود محرم دل مسکین  
دیگر به چشمه آب زلال راز کنیم  
دل تپیده به خون را به کوره هجران  
چو پاره پاره پولاد غم گداز کنیم

اگر به روی وطن درب امنیت بستند  
ز باغ عشق و محبت دری فراز کنیم  
به بزم سنبل و ریحان و نرگس فتان  
دماغ خسته دلان پرز عیش و ناز کنیم

2014/6/15